

روان شناسی زنان

یادداشت مترجم

روان‌شناسی زنان، یک گرایش تخصصی در چارچوب گرایش روان‌شناسی است که از محتوی، پژوهش و نظریه کافی برخوردار است. امروزه روان‌شناسی زنان بر پایه درخشانی از سه دهه پژوهش معاصر استوار است و آینده روشن و نویدبخشی را براساس این بنیان، بنا نهاده است. یکی از جالب توجه‌ترین جنبه‌های روان‌شناسی زنان این است که بخشی از حیطه‌های میان‌رشته‌ای مطالعات زنان است. بدین ترتیب در این رشته فرصت‌ها و امکانات غنی وجود دارد که از رشد و توسعه در سایر رشته‌ها یادگیری حاصل کند و رشته‌های دیگر را نیز به نوبه خود بهره‌مند سازد.

جای خالی کتابی که بتواند به عنوان منبع علمی در زمینه روان‌شناسی زنان مورد استفاده قرار گیرد، نگارنده را تشویق به ترجمه این کتاب کرد. از مزیت‌های مهم کتاب پشتوانه نظری، مفهوم‌سازی و روش‌شناختی بسیار قوی آن است. این کتاب درباره زن بودن نگاشته شده است و زنان را از جنبه‌های مختلف زیست‌شناختی و فیزیولوژیک، فرهنگی و اجتماعی بررسی کرده است. به علاوه، با دیدگاه مبتنی بر رشد و تحول شناختی و عاطفی، زنان را از دوره جنینی و از بدو تولد تا سالمندی با مردان مقایسه کرده است و بر مسائل روان‌شناسی و بهداشت جسمانی و روانی زنان تأکید کرده است و برخی الگوهای رفتاری، که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است، از جمله رفتار جنسی زنان را مورد مطالعه قرار داده است. فصل روان‌شناسی مردان، از ویژگی‌های بارز کتاب است. شناخت علمی از رفتار مردان نسبت به زنان، خصوصاً شناخت از اعمال خشونت‌آمیز جسمانی و کلامی و ارتباطی نسبت به زنان، می‌تواند وقوع این نوع رفتار را کاهش دهد و در اولویت‌های برنامه‌های پیشگیری قرار گیرد.

در این کتاب به علاوه، بر تجارب منحصر به فرد زن بودن تأکید شده است. نگارنده امیدوار است که این کتاب بتواند شناخت و درک عمومی را نسبت به زنان تغییر دهد و نیز درک و شناخت زنان را از خویشتن، افزایش دهد.

این کتاب می‌تواند به عنوان کتاب درسی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی مطالعات زنان، مطالعات خانواده و نیز در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای روان‌شناسی بالینی و مشاوره به عنوان یک کتاب مرجع مورد استفاده قرار گیرد و به دلیل رویکرد پژوهشی آن می‌تواند انگاره‌های پژوهشی را برای پژوهش‌های زنان، ترغیب کند.

در فصل‌های مختلف کتاب، اگرچه بیش از هر چیز به شباهت‌های موجود بین زنان و مردان اشاره شده است، لیکن تأکید بر این‌که زنان روان‌شناسی خاصی دارند که متفاوت از روان‌شناسی

مردان است، نیز برجسته شده است؛ ضمن این‌که نشان داده شده تا چه حد تفاوت‌های موجود بین زنان و مردان برخاسته از کلیشه‌های فرهنگی و جامعه‌پذیری است و این تفاوت‌ها تا چه حد پایه و اساس واقعی دارند.

نکته مهم این است که تفاوت‌های واقعی موجود بین زنان و مردان به لحاظ فرهنگی نباید برحسب «برتری» و یا «کهتری»، مفهوم‌سازی شود. توزیع عادلانه قدرت و مسئولیت در خانواده و جامعه بدین معنی است که هیچ‌کس، اعم از زن یا مرد، نباید بر دیگری سلطه داشته باشد. روابط برابر بین زنان و مردان بهتر است همواره تشویق شود و رشد و شکوفایی فردی همه انسان‌ها، نسبت به سایر انواع توسعه، در اولویت قرار گیرد.

امروزه کسب شناخت و آگاهی برای زنان به صورت فلسفه زندگی در آمده است. زنان با افزایش آگاهی در موقعیتی قرار خواهند گرفت تا در عرصه‌های مختلف، با دانش و اطلاع کافی از تمام راه‌حل‌های موجود، دست به انتخاب بزنند و جهان را براساس اولویت‌های دیگری به جز اولویت‌های پدرسالانه، درک و بازنمایی کنند و به درک صحیحی از زن بودن نائل شوند و بین رشد و مسئولیت فردی و رشد و مسئولیت خانوادگی - اجتماعی تعادل برقرار سازند و بر هویت زنانگی خود بیابند و فرصت رشد و تحول تمامی ظرفیت‌های بالقوه خود را کشف کنند.

ا.خ.

پاییز ۸۳

یادداشت مترجم بر چاپ دوم

خوشبختانه پس از انتشار چاپ نخست این کتاب، شاهد استقبال بسیار خوبی از جانب خوانندگان و صاحب‌نظران بوده‌ایم. این کتاب، در فاصله چاپ اول و دوم، به عنوان کتاب مرجع در دوره‌های تحصیلات تکمیلی رشته مطالعات زنان و سایر رشته‌های مربوط، در دانشگاه‌های مختلف تدریس شد و انگاره‌های مطرح شده در کتاب به رشد و گسترش هر چه بیشتر پژوهش‌های علمی گوناگون در این حیطه انجامید. همچنین این کتاب در نشریه‌های گوناگون معرفی شد و مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر آن، توسعه جهانی مطالعات زنان و برپایی کنگره‌های بین‌المللی زنان در طی این دوره، همگی نشان‌دهنده اهمیت این رشته است. امروزه معلوم شده است که همسو با شباهت‌ها و همسانی‌ها، تنوع و تکثری نیز در میان زنان وجود دارد که بیش از هر نوع تأکیدی بر شباهت‌ها یا تفاوت‌های میان زنان و مردان، شناخت هر چه بیشتر آنان را فرامی‌خواند. امید ما بر این است که چاپ دوم کتاب بتواند این مهم را در حد خود به انجام برساند.

ا.خ.

بهار ۸۷

پیش‌گفتار

هدف اصلی من در تدوین ویراست پنجم سهم زنان در تجربه بشری، فراهم کردن یک کتاب درسی روان‌شناسی زنان برای دانشجویان دوره لیسانس است که زمینه کمی در روان‌شناسی دارند یا هیچ زمینه‌ای در این مورد ندارند، و فقط شاید یک دوره مقدماتی را در این زمینه گذرانده باشند. اگرچه این کتاب یک متن درسی برای دوره‌های روان‌شناسی زنان است، اما می‌تواند به عنوان یکی از چند کتاب درسی در دوره‌های مطالعات زنان یا به عنوان متن درسی تکمیلی در دوره‌های مختلف روان‌شناسی کاربرد داشته باشد و تدریس شود.

این کتاب سه ویژگی دارد: قابل فهم بودن، جامعیت و پژوهش‌مداری؛ ویژگی‌هایی که در ویراست‌های قبلی کاملاً حاصل شده بود و من سعی کردم تا آن‌ها را در ویراست‌های جدید نیز حفظ کنم و بهبود بخشم. من به این باور رسیده‌ام که قابل فهم بودن متن‌ها یک اصل طرفداری از حقوق زنان است. یکی از اهداف طرفداران حقوق زنان، تلاش برای شفاف‌سازی علم است و ما نیز به عنوان بخشی از این تلاش باید روان‌شناسی و از جمله روان‌شناسی زنان را ابهام‌زدایی کنیم. بنابراین، هدف من تهیه کتابی درس با یک رویکرد پژوهشی محکم و روزآمد بوده است، به گونه‌ای که درک و فهم آن برای دانشجویان آسان باشد.

چه مطالب جدیدی در ویراست پنجم این کتاب وجود دارد؟

زنان رنگین‌پوست

مهم‌ترین اولویت من در تجدیدنظر این کتاب انسجام بخشیدن به رویکردهای پژوهشی جدید درباره زنان رنگین‌پوست بوده است. در آغاز چاپ اول کتاب (۱۹۷۶) فصلی را به زنان سیاه‌پوست اختصاص داده بودم. در ویراست چهارم، در سال ۱۹۹۰، پژوهش درباره زنان گروه‌های قومی مختلف گسترش داده شد، به طوری که توانستم چهار گروه قومی، یعنی امریکایی‌های آفریقایی‌تبار، امریکایی‌های سرخ‌پوست، امریکایی‌های آسیایی‌تبار و امریکایی‌های لاتین را پوشش دهم. در این تلاش تا حد زیادی از طرح تحقیقاتی که

از دانشگاه ویسکانسین گرفته بوم و بودجه آن را بنیاد فورد در اختیارمان گذاشته بود کمک گرفتم تا پژوهش‌های جدید را درباره زنان رنگین‌پوست برای برنامه‌های درسی دوره لیسانس انسجام بخشم، و مایل بودم تا تأثیر این کار را در این کتاب شاهد باشم.

نویسنده و مربی در ارتباط با مطالب زنان رنگین‌پوست باید با دو پرسش مواجه شود: تفکیک یا تلفیق؟ یعنی این‌که آیا باید فصل جداگانه‌ای به پژوهش درباره زنان رنگین‌پوست اختصاص داده شود و آن را برجسته سازد؟ یا این‌که این بحث باید در سرتاسر کتاب تلفیق شود؟ من راهبرد «هم این و هم آن» را انتخاب کردم. بنابراین، فصلی را به زنان رنگین‌پوست اختصاص دادم که در آن اطلاعات مربوط به میراث تاریخی و فرهنگی زنان این چهار گروه قومی گردآوری شده است و زمینه را برای بررسی مطالب در فصل‌های بعدی آماده می‌سازد. پژوهش درباره زنان رنگین‌پوست را همچنین در تمام فصل‌های کتاب گنجانده‌ام؛ و به‌منظور تصریح این‌که موضوع زنان رنگین‌پوست موضوعی اساسی است و نه جانبی، فصل زنان رنگین‌پوست را دقیقاً در بخش میانی کتاب قرار داده‌ام، نه در پایان آن.

کمک‌های آموزشی

تأکید من در بازنگری کنونی بر افزایش و بهبود بخشیدن به جنبه‌های کمک آموزشی برای دانشجویان بود. دو ویژگی خصوصاً اهمیت دارد: مطلب کادربندی شده تحت عنوان «تجربه پژوهشی» و یک واژه‌نامه در حاشیه کتاب. بدین ترتیب، پایان هر فصل یک چارچوب جمع‌بندی شده به نام تجربه پژوهشی را دربر دارد که هدف آن ارائه تجربه پویا با پژوهش‌ها یا نظریه‌های روان‌شناسی زنان به دانشجویان است. این قسمت‌ها شامل تمرین‌ها و تکالیفی مثل جمع‌آوری میزان محدودی از داده‌ها از دوستان است تا یک مطالعه و بررسی در رابطه با متن آن قسمت، از نو به عمل آید؛ یا تحلیل محتوای جنسیتی بازی‌های کامپیوتری در یک مغازه محلی است. امیدوارم که دانشجویان از این تجارب پژوهشی فایده ببرند و اعضای هیئت علمی این تجارب را مفید ارزیابی کنند. بسیاری از این تکالیف و تمرین‌ها را قبلاً آزموده‌ام و دریافتم که دانشجویان مشتاقانه به آن‌ها پاسخ داده‌اند. با تشکر فراوان از جان یودر و نیتا مک‌کنیلی و جنیفر لمپینگ، اعضای هیئت که در این پیش‌آزمون ما یاری کردند و با تشکر فراوان از همه دانشجویانی که در این تمرین‌ها مشارکت کردند.

من دریافتم که هیچ‌یک از کتاب‌های درسی موجود در روان‌شناسی زنان واژه‌نامه و حتی یک واژه‌نامه در حاشیه کتاب ندارند. اگرچه در سایر کتاب‌های درسی در رشته‌های دیگر روان‌شناسی این ویژگی‌ها رایج است. بنابراین، هر دو نوع واژه‌نامه را به ویراست جدید افزودم: یک واژه‌نامه در حاشیه متن که اصطلاحاتی را که قبلاً مطرح شده‌اند، تعریف می‌کند

و یک واژه‌نامه جامع در پایان کتاب. این دو ویژگی باید به دانشجویان در یادگیری معانی اصطلاحات مهم در این رشته یاری رساند.

سایر تجدیدنظرها

سراسر کتاب تجدیدنظر و روزآمد شده است. براساس محاسبه من ۳۸۵ نقل قول جدید به کتاب افزوده شده است، و خصوصاً در فصل دوازدهم، «تعدی نسبت به زنان» و فصل سیزدهم، «زنان و مسائل بهداشت روانی»، تجدیدنظر گسترده‌ای صورت گرفته است. در فصل «بهداشت روانی»، برای مثال چارچوب تأکیدی جدید درباره جنسیت و سیاست‌های تشخیص روان‌پزشکی در DSMIV، بخش جدیدی است که نیازهای بهداشت روانی زنان اقلیت‌های قومی را مطرح می‌کند و مباحث رفتاردرمانی شناختی و نظریه نوپدید افزوده شده است. در فصل «تعدی نسبت به زنان»، تمام بخش مربوط به تجاوز را بازنویسی کردم تا بتوانم آمارها، پژوهش‌ها و نظریه‌های جدید را درباره علت تجاوز بیفزایم و یک چارچوب تأکیدی جدید در زمینه موضوع بحث حافظه بهبود یافته را اضافه کردم.

به منظور افزودن تمام ضمایم پژوهش‌های جدید، لازم بود مواردی را حذف کنم. بنابراین، موضوع مردانگی، زنانگی و دوجنسیتی بودن در فصل پنجم ویراست قبلی حذف شده است که حاکی از علاقه کاهش یافته به این موضوع است، مطالب مربوط به دوجنسیتی بودن به گونه قابل ملاحظه‌ای در فصل سوم، طرح‌واره‌های جنسیتی و تفاوت‌های جنسیتی خلاصه شده است.

همچنین توالی بعضی فصل‌ها را نیز تغییر داده‌ام. همکارانی که کتاب را به کار گرفته‌اند، به من اظهار داشتند که به عقیده آن‌ها فصل «تعدی نسبت به زنان» که بسیار نزدیک پایان کتاب است، تأثیر خوبی ندارد، چرا که درس با یک توضیح منفی پایان می‌یابد. بنابراین، فصل «تعدی نسبت به زنان» را قبل از مبحث «بهداشت روانی» قرار دادم؛ دانشجویان بدین ترتیب می‌توانند چگونگی تأثیر درمان مبتنی بر طرفداری از حقوق زنان را در غلبه بر آزار و اذیت شدن مشاهده کنند.

در آماده کردن ویراست دریافتم که تقریباً ۲۰ سال پس از پژوهش عمیق و نوشتن نخستین چاپ اقدام به تجدیدنظر کرده‌ام. روان‌شناسی زنان به عنوان یک رشته علمی در طی این ۲۰ سال تغییرات زیادی کرده است. من به عنوان یک نویسنده پی‌بردم که در سال ۱۹۹۴، در مقایسه با سال ۱۹۷۳، با مسائل متفاوتی روبه‌رو هستم. دو دهه پیش مسئله این بود که این رشته خیلی جدید است و پژوهش‌های بسیار اندکی صورت گرفته است؛ اغلب به یک نکته مهم می‌رسیدم که باید آن را مطرح کنم در حالی که داده‌های کمی در آن مورد داشتیم؛ حتی شاید یک مطالعه موردی وجود نداشت. در سال ۱۹۹۴ مسئله برعکس بود:

پژوهش‌های بسیار زیادی وجود داشت. اگرچه ضرورت پژوهش‌های بیشتر وجود دارد، اما پژوهش‌ها بیشتر از حدی بود که می‌شد آن‌ها را در یک کتاب درسی یک‌جلدی دوره لیسانس گنجانید. رشته روان‌شناسی زنان صفحات سه مجله مهم - فصل‌نامه روان‌شناسی زنان، نقش‌های جنسی و نهضت طرفداری از حقوق زنان و روان‌شناسی - را به میزان زیادی پر کرده است و سایر مجله‌های وزین روان‌شناسی به‌طور منظم مقاله‌هایی را درباره جنسیت و روان‌شناسی زنان منتشر می‌کنند. این فراوانی و گستردگی پژوهش‌ها برای رشته ما وضعیتی عالی است؛ اما در عین حال، این گستردگی بدین معنی است که من مجبور بوده‌ام از میان همه این مطالعات و پژوهش‌ها دست به‌گزینش و انتخاب بزنم.

امیدوارم ویراست جدید کتاب سهم زنان در تجربه بشری به دانشجویان و اعضای هیئت علمی در نیل به درک و شناخت غنی‌تر، سرشارتر و رشدیابنده‌تر از روان‌شناسی زنان یاری رساند.

جانث شیلی هاید

فهرست

۵	یادداشتی از مترجم
۷	پیش‌گفتار

فصل ۱. مقدمه

۱۹	جنس، جنسیت و تبعیض جنسی
۲۰	آیا روان‌شناسی زنان وجود دارد؟
۲۲	چرا روان‌شناسی زنان مطالعه می‌شود؟
۲۴	خاستگاه‌های سوگیری جنسی در پژوهش روان‌شناختی
۳۹	نگاهی به پیش‌رو

فصل ۲. دیدگاه‌های نظری

۵۰	نظریه روان‌کاوی
۵۹	برداشت‌های گوناگون از موضوعی فرویدی
۶۵	زیست‌شناسی اجتماعی
۷۳	نظریه یادگیری اجتماعی
۷۹	مدل رشد و تحول - شناختی

۹۱	نظریه طرحواره جنسیتی
۹۷	نظریه‌های طرفداران حقوق زنان
۱۱۰	نتیجه‌گیری

فصل ۳. کلیشه‌های جنسیتی و تفاوت‌های جنسیتی

۱۱۶	کلیشه‌ها، تفاوت‌های واقعی و موضوع طبیعت - ترتیب
۱۲۳	کلیشه‌های جنسیتی، قومیت، و طبقه اجتماعی
۱۲۳	تفاوت‌های جنسیتی در برابر تفاوت‌های فردی
۱۲۵	فرا تحلیل
۱۲۷	رفتار پرخاشگرانه
۱۳۳	اعتماد به نفس
۱۳۵	فعالیت
۱۳۶	رفتار کمک کردن
۱۳۷	اضطراب
۱۳۸	همدلی
۱۳۹	رهبری
۱۳۹	فراسوی کلیشه‌های جنسیتی: دو جنسیتی بودن
۱۵۰	مراحل رشد و تحول نقش جنسیتی
۱۵۲	نتیجه‌گیری

فصل ۴. جنسیت و زبان

۱۵۸	تفاوت‌های جنسیتی در کاربرد زبان
۱۶۴	زبان بدن: ارتباط غیرکلامی
۱۶۸	در زبان چگونه با زنان معامله می‌شود
۱۷۷	جنسیت و شیوه‌های مکالمه: برخی پیشنهادات عملی

فصل ۵. از دوران نوزادی تا سالمندی: رشد و تحوّل در سرتاسر عمر

۱۸۶	نوزادی
۱۹۰	کودکی
۱۹۶	نوجوانی
۲۰۳	آستانه بزرگسالی
۲۱۲	میانسالی
۲۱۵	سالمندی
۲۲۰	نتیجه گیری

فصل ۶. توانایی‌ها، پیشرفت، و انگیزش

۲۲۴	توانایی‌ها
۲۳۱	انتخاب درس‌ها: چگونگی اجتناب کردن از ریاضی
۲۳۵	سبک‌شناختی
۲۳۶	زنان و کامپیوترها: مرز جدید تفاوت‌های جنسیتی؟
۲۳۹	پیشرفت
۲۴۱	انگیزش پیشرفت
۲۴۱	داستان یک زن با قریحه: بثاتریس پوتر
۲۴۶	انگیزه اجتناب از موفقیت
۲۴۹	اسنادها: وقتی زنی موفق می‌شود، فقط خوش‌شانسی است؟
۲۵۰	نتیجه گیری

فصل ۷. زنان و اشتغال

۲۵۴	کلیشه‌هایی درباره زنان و کار
۲۵۷	تبعیض جنسی در محل کار
۲۵۵	جنسیت، استحقاق و تفاوت دستمزد
۲۷۱	تفکیک مشاغل

- ۲۷۴ اشتغال و مسائل خانوادگی
- ۲۷۶ روان‌شناسی و سیاست عمومی: بحث مرخصی والدین

فصل ۸. زنان رنگین پوست

- ۲۸۶ مقدمه
- ۲۸۸ انتقاد قومی / فرهنگی از پژوهش روان‌شناختی
- ۲۹۰ میراث فرهنگی زنان رنگین پوست در امریکا
- ۲۹۶ نقش‌های جنسیتی و قومیت
- ۳۰۴ آموزش
- ۳۰۸ مباحث شغلی
- ۳۱۰ مباحث بهداشت روانی
- ۳۱۳ طرفداری از حقوق زنان و زنان رنگین پوست
- ۳۱۴ نقش‌های جنسیتی و قومیت در ساعات پریننده برنامه‌های تلویزیونی

فصل ۹. تأثیرات زیست‌شناختی بر رفتار زنان

- ۳۲۰ ژن‌ها
- ۳۲۲ هورمون‌های جنسی
- ۳۳۱ مغز
- ۳۳۶ نتیجه‌گیری

فصل ۱۰. روان‌شناسی و مسائل بهداشت در زنان

- ۳۴۰ جنسیت و بهداشت
- ۳۴۲ زنان و سیستم مراقبت بهداشتی
- ۳۴۴ قاعدگی
- ۳۶۱ یائسگی
- ۳۶۴ حاملگی و زایمان

فهرست ۱۵

۳۶۶	جلوگیری از آبستنی
۳۷۰	سقط جنین
۳۷۳	سرطان سینه
۳۷۶	زنان و اچ آی وی
۳۷۰	ایدز: چگونه زندگی یک زن را تغییر داد
۳۸۱	تجربه زنان از سندرم پیش از قاعدگی
۳۸۰	نتیجه گیری

فصل ۱۱. تمایلات جنسی زنان

۳۸۵	فیزیولوژی
۳۸۹	تصوّرات نادرست متداول
۳۹۱	برجستگی - G
۳۹۲	جنبه‌های روان‌شناختی
۴۰۱	جنسیت، نژاد و تمایلات جنسی
۴۰۲	اختلال‌های کارکرد جنسی و درمان آن
۴۰۸	شباهت‌های جنسیتی

فصل ۱۲. تعدی نسبت به زنان

۴۱۲	تجاوز
۴۲۴	زنان کتک خورده
۴۳۳	مزاحمت جنسی
۴۳۷	زنا با محارم
۴۴۵	نتیجه گیری

فصل ۱۳. زنان و مسائل بهداشت روانی

۴۴۸	نسبت‌های جنسیتی و بهداشت روانی
-----	--------------------------------

۴۴۹	افسردگی
۴۵۳	الکلیسم و سوءاستفادهٔ دارویی
۴۵۶	اختلال‌های تغذیه‌ای
۴۶۷	تبعیض جنسی و روان‌درمانی
۴۷۳	چگونگی کاربرد درمان‌های سنتی در زنان
۴۷۷	درمان‌های جدید برای زنان
۴۸۱	سمت‌گیری‌های نوین

فصل ۱۴. روان‌شناسی مردان

۴۸۹	نقش‌های مردانه
۴۹۲	دیدگاه روان‌شناسی سنتی نسبت به مردان و مردانگی
۴۹۷	یک دیدگاه نوین: فشار نقش جنسی
۴۹۸	رشد و تحول در طول زندگی
۵۱۲	مردان رنگین‌پوست
۵۱۸	مسائل بهداشتی
۵۲۲	رفتار جنسی مردان
۵۲۷	نتیجه‌گیری

فصل ۱۵. بازنگری و دورنماها

۵۳۰	پژوهش‌های آتی
۵۳۵	بازنگری طرفداری از حقوق زنان
۵۴۰	نقش‌های آیندهٔ زنان
۵۴۷	واژه‌نامه
۵۵۵	کتاب‌شناسی
۶۰۳	نمایه

مقدمه

جنس، جنسیت و تبعیض جنسی

آیا روان‌شناسی زنان وجود دارد؟

چرا روان‌شناسی زنان مورد مطالعه قرار می‌گیرد؟

خاستگاه‌های سوگیری جنسی در پژوهش روان‌شناختی

چشم‌اندازها

نخستین چیزی که در یک مشاهده‌گر غیردقیق اثر می‌گذارد این است که زنان شباهتی به مردان ندارند، زنان «جنس مخالف» هستند (اما، چرا «مخالف» من نمی‌دانم؛ «جنس موافق» کدام است؟). اما نکته مهم این است که زنان بیشتر از هر چیز دیگری در جهان به مردان شباهت دارند. دورتی سیزر^۱

یک روز وقتی دخترم، مارگارت، چهارسال و نیمه بود (این نیمه برای او خیلی مهم بود)، برایم از بازی‌هایی که در کودکستان کرده بود تعریف کرد. او با پسری به نام دیمتریوس که دوستش بود، بازی می‌کند. دیمتریوس به او می‌گوید وقتی بزرگ شوند با او ازدواج خواهد کرد آن‌ها به بازی «دوستان خارق‌العاده»^۲ پرداختند. دخترم به من گفت که دیمتریوس شخصیتی را که دوست داشت باشد، یعنی سوپرمن^۳ را انتخاب می‌کند و سپس مارگارت نقش هم‌تای مؤنث او، یعنی «سوپرگول»^۴ را بازی می‌کند. یا آن‌ها «Dukes of Hazzard» را بازی کردند و مارگارت نقش دیزی^۵ را داشت. مجبور شدم لحظه‌ای بنشینم در حالی که به معنای تمام حرف‌هایی که گفته بود فکر می‌کردم. او هنوز حتی دوره کودکستان را شروع نکرده بود، اما زنانگی^۶ و مقتضیات آن برایش کاملاً روشن بود. او دریافته بود که مرد آنچه را که خواهان آن است انتخاب می‌کند و زن سپس از مرد پیروی می‌کند و نقش هم‌تای هم‌بازی مؤنث او را بازی می‌کند. مارگارت آموخته بود که دیمتریوس سوپرمن، و او سوپرگول است. من سعی کردم با او در این باره بحث کنم؛ به او گفتم اگر دیمتریوس سوپرمن است، او هم باید سوپرنزن^۷ باشد. مارگارت گفت که هیچ سوپرنزنی وجود ندارد. من از او پرسیدم چرا دیمتریوس باید تصمیم بگیرد که آنان چه بازی کنند، باید انتخاب کند. چرا مارگارت نمی‌تواند نقش زن خارق‌العاده^۸ را انتخاب کند و دیمتریوس مرد خارق‌العاده^۹، یا پسر خارق‌العاده بشود؟ مارگارت گفت که اینجوری نمی‌شود بازی کرد، من گفتم چرا. او گفت خوب نمی‌شود دیگر. پس از مدتی من از این بحث دست کشیدم (تا حدی به دلایل نظری که در فصل سوم مورد بحث قرار خواهد گرفت). اما نکته مهم این داستان این است که جنسیت، و خصوصاً زنانگی، در جامعه ما ویژگی مهمی است. حتی کودکستانی‌ها معنای اجتماعی این ویژگی‌ها را می‌دانند. مارگارت و دوستان او یاد گرفته بودند (و باور کنید که من همه این چیزها را به او یاد ندادم) که مردان انتخاب و رهبری می‌کنند و زنان پیروی می‌کنند. آن‌ها از هم اکنون می‌دانند که دگرخواهی جنسی^{۱۰} و ازدواج از اجزای مهم مقتضیات نقش آنان است.

1. Sayers, D. 2. superfriends 3. superman 4. supergirl 5. Daisy
6. femaleness 7. superWoman 8. wonderwoman 9. wonderman
10. heterosexuality

این کتاب دربارهٔ زن بودن است. در جامعهٔ ما زن بودن چه معنایی دارد، از لحاظ زیست‌شناختی چه معنایی دارد و چگونه همهٔ این‌ها با رفتارها، اندیشه‌ها و احساسات دختران و زنان آمیخته می‌شود.

جنس، جنسیت^۲ و تبعیض جنسی^۳

پیش از ادامهٔ بحث، برخی اصطلاحات باید تعریف شوند. اول، ذکر این نکته مهم است که در زبان انگلیسی اصطلاح جنس گاه به گونه‌ای مبهم به کار رفته است. یعنی، گاه این اصطلاح به رفتارهای جنسی مثل آمیزش جنسی اشاره دارد، در حالی که در موارد دیگر به مردان و زنان اشاره می‌کند. البته، معنی معمولاً از متن مشخص می‌شود. برای مثال، اگر در تقاضانامهٔ استخدام نوشته شود «جنس: —» شما در برابر آن نمی‌نویسید «غالباً». در این متن، سؤال مشخصاً دربارهٔ زن یا مرد بودن شما است. از سوی دیگر، موضوع کتابی تحت عنوان جنس و مزاج^۴ در سه جامعهٔ بدوی، چیست؟ آیا منظور از جنس نقش‌های زنان و مردان در این جوامع است، یا منظور رفتار جنسی مردم در این جوامع بدوی است؟

به منظور کاهش این ابهام، اصطلاح جنس را در مورد رفتارهای جنسی و جنسیت: حالت مرد یا زن بودن

اصطلاح جنسیت را برای استناد کردن به مردان و زنان به کار می‌گیرم (هاید،

۱۹۷۹، ۱۹۹۴). بنابراین اصطلاح تفاوت‌های جنسیتی^۵ به تفاوت‌های موجود بین زنان و مردان اشاره می‌کند. برخی محققان قواعد دیگری را در این زمینه پذیرفته‌اند. مثلاً، برخی محققان ترجیح می‌دهند که اصطلاح تفاوت‌های جنسی^۶ را برای اشاره کردن به تفاوت‌های فطری یا زیست‌شناختی ایجاد شده بین زنان و مردان به کار گیرند، و از اصطلاح تفاوت‌های جنسیتی در مورد تفاوت‌های ناشی از یادگیری و نقش‌های اجتماعی زنان و مردان استفاده کنند. (مثلاً، انگر، ۱۹۷۹). مشکلی که این اصطلاح‌شناسی^۷ دارد این است که مطالعات اغلب یک تفاوت مرد-زن را اثبات می‌کنند، بدون آنکه هیچ نوع شواهدی در مورد علل این تفاوت-زیستی، اجتماعی یا هر دو-به‌دست دهند. وانگهی، تمایز مشخص بین علل زیست‌شناختی و علل فرهنگی در تشخیص این که زیست‌شناسی و فرهنگ می‌توانند در تعامل باشند، با شکست مواجه می‌شود. بنابراین، من از اصطلاح تفاوت‌های جنسیتی صرفاً برای تفاوت‌های میان مرد و زن استفاده می‌کنم و علت این تفاوت‌ها را به عنوان مسئله‌ای جداگانه کنار می‌گذارم.

تبعیض جنسی: تبعیض یا سوگیری در تبعیض جنسی اصطلاح دیگری است که به برخی از بحث‌ها در این کتاب ارتباط خواهد یافت. تبعیض جنسی را می‌توان تبعیض یا سوگیری برابر افراد براساس جنسیت آن‌ها.

سوگیری جنسی.

1. sex 2. gender 3. sexism 4. temperament 5. gender differences
6. sex differences 7. terminology

نسبت به افراد بر اساس جنسیت آنان تعریف کرد. برخی، اصطلاح تبعیض جنسی معکوس^۱ را در مورد تبعیض نسبت به مردان به کار می‌گیرند، اگرچه بهتر است که اصطلاح تبعیض جنسی در مورد تبعیض هم نسبت به مردان و هم زنان براساس جنسیت آنان به کار رود. (درواقع اگر بخواهیم اصطلاح‌شناسی را به کار گیریم، این اصطلاح احتمالاً باید جنسیت‌گرایی^۲ باشد، اما به دلیل این که تبعیض جنسی و سوگیری جنسی^۳ اصطلاحات رایجی هستند به کار گرفته نخواهد شد). ما در اینجا به تبعیض جنسی به عنوان تبعیض نسبت به زنان خواهیم پرداخت. برخی با کاربرد اصطلاح تبعیض جنسی موافق نیستند، چرا که آن‌ها معتقدند که یک برچسب زنده‌ای است که به کسی یا چیزی زده می‌شود. به هر حال، این اصطلاح در واقع اصطلاحی مناسب و موجه است که پدیده خاصی را توصیف می‌کند، یعنی تبعیض براساس جنسیت، خصوصاً تبعیض نسبت به زنان را مطرح می‌کند. این اصطلاح با چنین نیتی در این کتاب به کار برده خواهد شد و نوعی توهین نیست. تشخیص این نکته مهم است که نه تنها مردان بلکه زنان نیز می‌توانند طرفدار تبعیض جنسی باشند. آخرین اصطلاحی که در این متن باید تعریف شود اصطلاح طرفدار حقوق زنان^۴ است.

طرفدار حقوق زنان: شخصی که از برابری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان و مردان طرفداری می‌کند و بنابراین از تغییرات قانونی و اجتماعی لازم برای نیل به این برابری حمایت می‌کند.

فردی که طرفدار حقوق زنان است، از برابری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان و مردان حمایت می‌کند و بنابراین از تغییرات اجتماعی و قانونی طرفداری می‌کند که برای رسیدن به این برابری ضروری است طرفداران حقوق زنان این اصطلاح را معمولاً بهتر از اصطلاحات دیگری مثل آزادی زنان^۵ می‌دانند که به گونه‌ای تحقیرآمیز اغلب به کار برده می‌شود. در میان طرفداران حقوق زنان طیف وسیعی از باورها وجود دارد که دامنه آن از زنانی است که در یک سازمان خواهان بهبود وضع آن هستند تا کسانی که طرفدار حقوق زنان به شیوه‌ای افراطی^۶ هستند. این انواع مختلف طرفداری از حقوق، در فصل دوم، مورد بحث قرار گرفته است. حال به موضوع مورد بررسی خودمان برمی‌گردیم.

آیا روان‌شناسی زنان وجود دارد؟

سؤال بالا بسته به تغییر آهنگ کلام معانی مختلفی دارد، و بنابراین مستلزم پاسخ‌های متفاوت است. آیا روان‌شناسی زنان وجود دارد؟ طرح مسئله با این لحن حاکی از این است که آیا رویکرد روان‌شناختی نسبت به درک و شناخت زنان در مقایسه با رویکرد سیاسی، تاریخی یا اقتصادی نسبت به زنان، ارزشمند است یا نه. من این سؤال را فعلاً بدون پاسخ می‌گذارم. اما امیدوارم در طول این کتاب ثابت شود که رویکرد روان‌شناختی هم جالب

1. reverse sexism 2. genderism 3. Sexual bias 4. feminist
5. women liber 6. radical feminist

است و هم اهمیت دارد، و تلاش‌ها برای بهبود موقعیت سیاسی زنان به دست خودشان، می‌تواند میزان زیادی از اختلال‌های روان‌شناختی را همچنان برجای گذارد که در حال حاضر موجود هستند و نیاز به توجه دارند.



تصویر ۱-۱.

آیا روان‌شناسی زنان وجود دارد؟ تغییر دیگری در آهنگ کلام است که این بحث را مطرح می‌کند که آیا روان‌شناسی زنان واقعاً وجود دارد، آیا حوزه مجاز تخصصی شدن در چارچوب رشته روان‌شناسی است، آیا این حوزه از چنان محتوی، پژوهش و نظریه کافی برخوردار است، که رشته‌ای فرعی از روان‌شناسی محسوب شود؟ یا صرفاً موجی است از نوع دیگری از «روان‌شناسی عامیانه»^۱، که هجوم ناگهانی کتاب‌های جلد نازک را موجب خواهد شد و سپس به فراموشی سپرده می‌شود، رشته‌ای که هیچ روان‌شناس «معتبری» تمایلی برای پیوستن به آن ندارد.

درواقع، روان‌شناسی زنان سابقه کاملاً معتبری در حوزه سنتی روان‌شناسی دارد که به روان‌شناسی افتراقی^۲ معروف است. این نکته که افراد در رفتارهای شان با یکدیگر متفاوت هستند احتمالاً از زمانی که بشر به خودآگاهی رسید آشکار شده است. این تفاوت‌های فردی در رفتار موضوع مطالعه علمی در طی قرن گذشته بوده است. یک بُعد خاص از تفاوت‌های فردی تفاوت‌های میان مردان و زنان است، و این تفاوت‌ها توجه لازم خود را - شاید بیشتر از توجه لازم خود - هم در پژوهش و هم در نظریه‌ها به دست آورده‌اند. نظریه‌پردازان، از فروید تا نظریه‌پردازان شناختی نوین، توجه زیادی به تفاوت‌های جنسیتی مشاهده شده در رفتار نشان داده‌اند. به‌طور کلی، نظریه‌های روان‌شناختی سنتی این مسئله را (مسئله‌ای که ما بعداً به آن می‌پردازیم) مطرح کرده‌اند که مرد هنجار و زن انحراف از این هنجار است.

روان‌شناسی زنان به عنوان یک رشته مشخص، در ۲۵ سال گذشته، شکل گرفته است و به خاطر کشف برخی پدیده‌ها اعتباری برای خود به دست آورده است - اثرات روان‌شناختی زبان پیروان تبعیض جنسی، پاسخ‌های روان‌شناختی قربانیان تجاوز جنسی، و، از طریق

1. pop psych 2. differential psychology

پژوهش مسترز^۱ و جانسون^۲ و دیگران، شناخت بهتری از تمایلات جنسی^۳ زنان به دست آمده است. بنابراین شکی نیست که روان‌شناسی زنان وجود دارد، با تاریخچه‌ای طولانی از نظریه و پژوهش و در حال حاضر نیز با کشف‌های مهم و نوین موجودیت دارد. با پذیرش این موضوع، یک گروه به رسمیت شناخته شده‌ای (شاخه ۳۵) در انجمن روان‌شناسی آمریکا در رابطه با روان‌شناسی زنان پدید آمده است.

بالأخره: آیا روان‌شناسی زنان وجود دارد؟ این تغییر آهنگ کلام از این سؤال ناشی می‌شود که آیا زنان روان‌شناسی خاصی دارند که متفاوت با روان‌شناسی مردان است. مطمئناً کلیشه‌های فراوانی وجود دارد که به طور ضمنی حاکی از این است که زنان از لحاظ روان‌شناختی متفاوت با مردان هستند. زنان به کمتر منطقی بودن و عاطفی تر بودن شهرت دارند و اینکه نگرش‌ها و انگیزش‌های متفاوتی نسبت به مسائل جنسی دارند. پژوهش روان‌شناختی نشان می‌دهد که برخی از این کلیشه‌ها پایه و اساس در واقعیت دارند و برخی از آن‌ها هیچ پایه و اساس واقعی ندارند. این نوع پژوهش — که نشان می‌دهد چه وقت مردان و زنان از لحاظ روان‌شناختی تفاوت دارند و چه وقت تفاوتی ندارند، و آنچه که این پژوهش درباره روان‌شناسی زنان می‌گوید — یکی از موضوع‌های مورد بحث در این کتاب است.

در تلاش‌هایی که به منظور درک و شناخت روان‌شناسی زنان به عمل می‌آید، تناقضی ذاتی وجود دارد، تناقضی که در نقل قول بیان شده در آغاز این فصل ثبت شده است. زنان و مردان هم تفاوت دارند و هم شبیه هستند. اگرچه تفاوت‌های جنسیتی در تعریف روان‌شناسی زنان اهمیت دارند، شباهت‌های جنسیتی نیز به همان اندازه مهم هستند. هم دیدگاه‌های علمی و هم دیدگاه‌های غیرعلمی نسبت به زنان بر چگونگی تفاوت آن‌ها با مردان متمرکز شده است، این امر به شناختی تحریف شده منجر می‌شود، مگر اینکه شباهت‌های جنسیتی: جنبه‌هایی که در آن مردان و زنان بیشتر به یکدیگر شباهت دارند تا تفاوت.

بر شباهت‌ها نیز به‌طور یکسان تأکید شود. این تنش تناقض آمیز بین تفاوت‌های جنسیتی^۴ و شباهت‌های جنسیتی^۵ موضوع بحث دائمی در سراسر این کتاب است.

چرا روان‌شناسی زنان مطالعه می‌شود؟

اکثر کتاب‌های درسی یک بخش مقدماتی دارند در این باره که چرا مردم باید آن موضوع خاص را مطالعه کنند، یک چنین بخشی در کتاب روان‌شناسی زنان آنچنان ضروری به نظر نمی‌رسد. دلیل اصلی مطالعه روان‌شناسی زنان روشن است: این مطالعه جالب است. برای مثال، بسیاری از زنان یک چنین درسی را به این دلیل انتخاب می‌کنند که می‌خواهند خودشان را بهتر بشناسند. زنان احساس می‌کنند که در سایر درس‌های روان‌شناسی به این

1. Masters 2. Johnson 3. sexuality 4. gender differences
5. gender similarities

هدف نمی‌رسند. مردان، این درس را به این دلیل برمی‌دارند که زنان را بهتر بشناسند. مطمئناً درک و شناخت بیشتر مرد از همسر، دختر، دوست‌دختر، رئیس یا همکارش هم جالب است و هم ارزش عملی دارد. بنابراین، دلایل عملی بسیار خوبی برای پرداختن به مطالعه روان‌شناسی زنان وجود دارد.

همچنین دلایل علمی مفیدی برای مطالعه روان‌شناسی زنان وجود دارد. بسیاری از نظریه‌های روان‌شناختی سنتی، به‌راستی، نظریه‌هایی درباره‌ی مردان بوده‌اند. این نظریه‌ها، در بهترین صورت، با زنان به عنوان گونه‌ای از هنجار برخورد کرده‌اند. شاید بهترین نمونه آن نظریه روان‌کاوی است که در فصل دوم بحث می‌شود. همین‌طور، سوگیری جنسی در بسیاری از جنبه‌های پژوهش روان‌شناختی وجود داشته است؛ این نکته نیز در قسمت‌های بعدی این فصل مورد بحث قرار می‌گیرد. در نتیجه، روان‌شناسی سنتی اغلب به مطالعه مردان پرداخته است و با فرضیه‌های بسیار سنتی درباره‌ی نقش‌های جنسیتی کار کرده است. یکی از راه‌های تصحیح این سوگیری‌ها به رسمیت شناختن روان‌شناسی زنان است. بنابراین، روان‌شناسی زنان اطلاعاتی را درباره‌ی گروهی فراهم می‌کند که اغلب در پژوهش و نظریه نادیده گرفته شده‌اند، و روان‌شناسی زنان دیدگاه‌های نوینی را درباره‌ی نقش‌های جنسیتی و راه‌های تغییر آن‌ها می‌گشاید.



تصویر ۱-۲. رابین ویلیامز در نقش خانم داوت‌فایر، ۱۹۹۴، مسئله نقش‌های جنسیتی سنتی در سال‌های اخیر ما را به این فکر واداشته است که آیا مردان می‌توانند نقش‌های سنتی زنانه را، همچون دایه‌هایی که خیلی خوب بچه‌ها را بزرگ می‌کنند، عهده‌دار شوند.

بالاخره، دلیل دیگر مطالعه روان‌شناسی زنان این است که تجربه زنان از بعضی لحاظ کیفیاً با تجربه مردان متفاوت است. فقط زنان هستند که عادت ماهانه^۱، حاملگی^۲، زایمان و شیردادن از پستان^۳ را تجربه می‌کنند. علاوه بر این تجارب که پایه زیست‌شناختی دارند، زنان تجارب منحصربه‌فردی نیز دارند که به لحاظ فرهنگی و از طریق نقش‌های جنسیتی، در فرهنگ ما، حاصل شده‌اند. برای مثال، در فرهنگ آمریکا وقتی زنی در خیابان راه می‌رود و برای او سوت کشیده می‌شود، تجربه‌ای کاملاً منحصربه‌فرد برای زنان است. یکی از نقطه‌نظرهای نهضت‌های برابرطلبی زنان و خصوصاً گروه‌های افزایش‌دهنده آگاهی این است که زنان لازم است درباره این تجارب زنانه بیشتر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. بنابراین گذراندن درسی که اطلاعاتی را در این باره فراهم کند ارزشمند است، و همچنین به آن‌ها فرصت می‌دهد تا احساسات خود را درباره تجربیاتشان بیان کنند و چنین ارتباطاتی به زنان کمک می‌کند تا با تجربه زنانه بهتر سازگار شوند و یا جنبه‌هایی از این تجارب را که نیاز به تغییر دارد، تغییر دهند.

خاستگاه‌های سوگیری جنسی در پژوهش روان‌شناختی

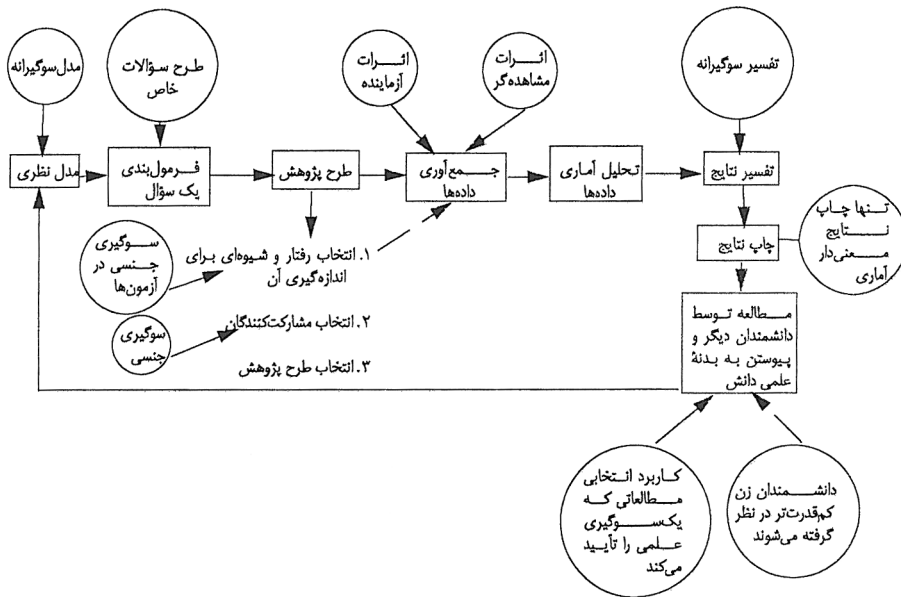
پژوهش در روان‌شناسی زنان با گام‌های سریعی در حال پیشرفت است. من، در این کتاب، مطمئناً اطلاعات بسیار مهمی درباره روان‌شناسی زنان برای شما فراهم خواهم کرد، اما هنوز به سؤالاتی، بیشتر از آنچه که تاکنون پاسخ داده شده است باید پاسخ داده شود. همراه با گسترش بسیار سریع پژوهش در روان‌شناسی زنان بسیاری از کشفیات مهم در ۱۰ یا ۲۰ سال آینده به عمل خواهد آمد. بنابراین، کسی که درسی را در روان‌شناسی زنان می‌گذراند، باید از یادگیری صرف مطالبی که فعلاً درباره روان‌شناسی زنان دانسته شده است فراتر برود. حتی مفیدتر است که مهارت‌هایی را کسب کند، به طوری که «مصرف‌کننده نکته‌سنج» پژوهش روان‌شناختی شود. یعنی، این نکته بسیار مهمی است که شما بتوانید خردمندانه مطالعه کنید و مطالعات آتی را درباره زنان، که ممکن است در روزنامه‌ها، مجلات، یا نشریه‌های علمی^۴ بیابید، مورد ارزیابی قرار دهید. برای انجام این کار، حداقل باید سه مهارت را در خود ایجاد کنید: (۱) دانستن اینکه چگونه روان‌شناسان درصد پژوهش برمی‌آیند، (۲) آگاهی از چگونگی تأثیری که سوگیری جنسی بر پژوهش می‌گذارد، و (۳) آگاهی از مسائلی که ممکن است در پژوهش درباره نقش‌های جنسیتی یا روان‌شناسی زنان وجود داشته باشد. به طور کلی، یکی از ارزشمندترین چیزهایی که از تحصیلات دانشگاهی می‌توانید به دست آورید، رشد و تحول مهارت‌های تفکر انتقادی^۵ است. دیدگاه

1. menstruation 2. Pregnancy 3. breastfeeding 4. scholarly Journals
5. critical thinking skills

طرفداران حقوق زنان تفکر انتقادی را نسبت به پژوهش و نظریه روان‌شناختی ترغیب می‌کند. بحثی که در زیر می‌آید به این منظور تدوین شده است که به شما در ایجاد این مهارت‌ها کمک کند.

چگونه روان‌شناسان به تحقیق می‌پردازند. تصویر ۳-۱ نمودار فرایندی است که روان‌شناسان در انجام دادن پژوهش طی می‌کنند، این فرایند در مستطیل‌ها نشان داده شده است. این نمودار، همچنین برخی از زمینه‌هایی را نشان می‌دهد که سوگیری‌ها می‌توانند نقش داشته باشند، این سوگیری‌ها در دایره‌ها نشان داده شده‌اند.

این فرایند، به اختصار، معمولاً چنین است: محقق با نوعی مدل نظری آغاز می‌کند، خواه یک مدل صوری مثل نظریه روان‌کاوی باشد خواه صرفاً مجموعه‌ای از فرض‌های شخصی باشد. سپس دانشمند پرسشی را، براساس آن مدل یا فرض‌ها تدوین می‌کند. هدف پژوهش پاسخ دادن به آن سؤال است. سپس، محقق پژوهش را طرح‌ریزی می‌کند، این پژوهش شامل چندین گام فرعی است: رفتاری باید انتخاب شود، برای اندازه‌گیری این رفتار شیوه‌ای باید تدوین شود؛ گروهی از مشارکت‌کنندگان مناسب باید انتخاب شوند؛ و یک طرح پژوهشی باید تدوین شود. یکی از این گام‌های فرعی - یافتن شیوه‌ای برای اندازه‌گیری



تصویر ۳-۱. فرایند پژوهش روان‌شناختی (مستطیل‌ها) و زمینه‌هایی که در آن سوگیری جنسی ممکن است دخالت کند (دایره‌ها).

رفتار - احتمالاً اساسی‌ترین جنبه پژوهش روان‌شناختی است. دو نمونه جالب اندازه‌گیری رفتار، در ارتباط با روان‌شناسی زنان، آزمون‌هایی هستند که نگرش‌ها را نسبت به زنان اندازه‌گیری می‌کند (براساس مقیاسی از نگرش‌های سنتی تا نگرش‌های مساوات‌طلبانه) و آزمون‌هایی که نگرش‌ها را نسبت به تجاوز جنسی^۱ ارزیابی می‌کند.

گام بعدی برای محقق جمع‌آوری داده‌ها است. داده‌ها سپس مورد تحلیل آماری قرار می‌گیرند و نتایج آن تفسیر می‌شود. سپس، محقق، نتایج را منتشر می‌کند، این نتایج توسط سایر محققان مطالعه می‌شود و به بدنه دانش علمی می‌پیوندد (و همچنین در کتاب‌های درسی قرار می‌گیرد). بالأخره، این فرایند به نقطه آغاز بازمی‌گردد، چرا که نتایج مدل‌های نظری را تغذیه می‌کند که سایر محققان در تنظیم پژوهش‌های نوین از آن استفاده خواهند کرد. حال برخی از جنبه‌هایی را در نظر می‌گیریم که در آن سوگیری‌ای جنسی - سوی‌گیری که ممکن است بر شناخت ما از روان‌شناسی زنان یا نقش‌های جنسیتی تأثیر بگذارد - می‌تواند در این فرایند دخالت کند (کاپلان و کاپلان، ۱۹۹۴؛ دنمارک و همکاران ۱۹۸۸؛ گریدی، ۱۹۸۱؛ مک‌هاف و همکاران، ۱۹۸۶).

مدل نظری سوگیرانه - مدل نظری سوگیرانه یا مجموعه‌ای از فرض‌هایی که دانشمند با آن آغاز می‌کند، اثر عمیقی بر بازده پژوهش دارد. اگر دانشمند با یک مدل نظری سوگیرانه آغاز کند، سوگیری جنسی ممکن است دخالت کند. شاید بهترین نمونه مدل سوگیرانه نظری نظریه روان‌کاوی است که فروید آن را تدوین کرد. (به فصل دوم مراجعه شود). فردی با جهت‌گیری روان‌کاوی ممکن است پژوهشی را طرح‌ریزی کند تا وجود خصومت نسبت به آلت تناسلی مرد یا غبطه آلت تناسلی^۲ یا آزار طلبی^۳ یا من برتر رشد نیافته^۴ را در زنان ثابت کند. فردی با جهت‌گیری نظری متفاوت حتی به طرح چنین سؤالاتی نخواهد اندیشید. شما باید نسبت به جهت‌گیری محقق که پژوهشی را گزارش می‌دهد حساس باشید - و گاهی جهت‌گیری نظری بیان نمی‌شود و باید استنباط شود - چرا که جهت‌گیری بر بقیه پژوهش و نتیجه‌گیری که از آن به عمل می‌آید اثر می‌گذارد.

چه سؤالاتی پرسیده می‌شوند سؤالاتی که محقق مطرح می‌کند، نه تنها مطابق با مدل نظری است، بلکه توسط کلیشه‌های مربوط به نقش جنسیتی نیز شکل می‌گیرد. سوگیری ممکن است وقتی دخالت کند که تنها سؤالات خاصی مطرح می‌شود و سؤالات دیگر تا حدی در نتیجه کلیشه‌ها حذف می‌شود. مثلاً، مطالعات بسیاری درباره تغییرات خلقی زنان در طی دوره‌های ماهانه وجود دارد. به‌رحال، تا این اواخر به فکر هیچ‌کس نرسیده بود که این سؤال

1. rape 2. penis envy 3. masochism 4. immature superego

را مطرح کند که آیا مردان نیز ممکن است تغییرات خلقی ماهانه را تجربه کنند (برای مثال، به کیمورا و هامپسون، ۱۹۹۴ مراجعه شود). فرد با خواندن پژوهش‌ها ممکن است چنین برداشت کند که زنان دمدمی^۱ هستند و مردان نیستند، اما پژوهش‌ها به نظر می‌رسد تنها به این دلیل این نتایج را نشان می‌دهند که هیچ‌کس تغییرات خلقی را در مردان بررسی نکرده است و بنابراین کلیشه‌ها دربارهٔ مردان و زنان بر نوع سؤالاتی تاثیر گذارده است که مورد بررسی علمی قرار گرفته‌اند.

پژوهشگران طرفدار حقوق زنان از روش مهمی پیروی می‌کنند تا بر مسائل مربوط به مدل‌های نظری سوگیرانه و سؤالات پژوهشی کلیشه‌ای فائق آیند: به میان اجتماعات مردمی که قرار است آن‌ها را مطالعه کنند می‌روند و از آن‌ها دربارهٔ زندگی‌شان و اینکه مسائل مهم آن‌ها چیست سؤال می‌کنند. مثلاً، پژوهش دربارهٔ زنان همجنس‌گرا^۲ ممکن است محدود شود اگر پژوهش توسط زنان دگرخواه جنسی و مبتنی بر نظریه‌هایی انجام شده باشد که مردان دگرخواه جنسی آن‌ها را تدوین کرده‌اند. شیوهٔ علمی بهتر این است که از خود زنان همجنس‌گرا سؤال کنیم و برای طرح پژوهش درون‌داد به دست آوریم. نظریه‌ها، در مرحلهٔ بعدی، می‌توانند به وجود آیند، یعنی هرگاه پایه و اساس محکمی از تجارب و دیدگاه‌های خود زنان از آغاز فراهم شده باشد.

سوگیری جنسی در آزمون‌های روان‌شناختی همان‌گونه که در تصویر ۳-۱ نشان داده شده، گام بعدی در پژوهش روان‌شناختی طرح‌ریزی پژوهش است، که به نوبهٔ خود سه مرحله را دربرمی‌گیرد: انتخاب یک رفتار یا صفت روان‌شناختی و روش اندازه‌گیری آن؛ انتخاب مشارکت‌کنندگان؛ و انتخاب طرح پژوهش. ابتدا مرحله‌ای را در نظر می‌گیریم که شامل انتخاب یک رفتار و یا صفت و طرز اندازه‌گیری^۳ آن است.

اندازه‌گیری روان‌شناختی^۴ ممکن است اشکال متعددی داشته باشد. اگر پژوهشگر بخواهد رفتار پرخاشگری را در کودکان پیش‌دبستانی اندازه‌گیری کند، تکنیک اندازه‌گیری شامل مشاهده‌کنندگان تعلیم دیده است که در کلاس پیش‌دبستانی آرام و بدون جلب توجه می‌نشینند، و هر بار که کودکی به یک فعالیت پرخاشگرانه مبادرت می‌کند در برگهٔ پژوهش یک علامت می‌گذارند. ما، به‌رحال در اینجا بر آزمون‌های روان‌شناختی تمرکز خواهیم کرد که برخی از آن‌ها به خاطر مسائل

اندازه‌گیری روان‌شناختی: فرایند
گمارش اعداد در مورد ویژگی‌های
افراد، مثل پرخاشگری یا هوش

1. moody 2. lesbian

۳. وقتی روان‌شناسان یک صفت را اندازه‌گیری می‌کنند، آن‌ها یک تعریف عملیاتی به وجود می‌آورند که به تعریف برخی صفات از طریق چگونگی اندازه‌گیری آن اشاره می‌کند، مثلاً، هوش به عنوان توانایی‌هایی تعریف می‌شود که آزمون‌های بهرهٔ هوش آن را می‌سنجند.

4. psychological measurement

مربوط به سوگیری جنسی در معرض انتقاد جدی قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال، بخش ریاضیات را در آزمون استعداد تحصیلی^۱ در نظر بگیرید، که به طور گسترده روی دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان که می‌خواهند وارد دانشگاه شوند اجرا می‌شود. بخش ریاضی آزمون استعداد تحصیلی به دلیل این‌که بر علیه زنان سوگیری کرده است مورد انتقاد زیاد واقع شده است. برای مثال، زنانی که این آزمون را گذرانده‌اند، به طور متوسط، در سال ۱۹۸۵، نمره ۴۵۲ گرفته‌اند، در مقایسه با مردان که به طور متوسط نمره ۴۹۹ گرفته‌اند (هاید و همکاران، ۱۹۹۰). چگونه چنین آزمونی می‌تواند بر علیه زنان سوگیرانه باشد؟ یک موضوع اساسی محتوی و شیوه بیان سؤالات است. اگر محتوی یک سؤال شامل موفقیت‌هایی باشد که مردان بیشتر از زنان آن را تجربه می‌کنند، یا مستلزم دانشی باشد که مردان به آن دسترسی بیشتری داشته‌اند، پس آن سؤال از لحاظ جنسی سوگیرانه است. برای مثال، سؤال زیر را که در آزمون استعداد تحصیلی در ۱۹۸۶ مطرح شده است در نظر بگیرید:

تیم بسکتبال یک دبیرستان در ۴۰ درصد از پانزده بازی نخست خود، برنده شده است. در آغاز شانزدهمین بازی، این تیم چند بازی در یک مسابقه باید انجام بدهد و برنده شود تا رکورد پیروزی او ۵۵ درصد شود؟

(الف) ۳

(ب) ۵

(ج) ۶

(د) ۱۱

(ه) ۱۵

مردان، که تجربه بیشتری با تیم‌های ورزشی دارند و رکوردهای برد و باخت را محاسبه می‌کنند، امتیاز بیشتری دارند. یک راه‌حل جبری مستقیم وجود دارد که یک زن اگر در جبر مهارت داشته باشد می‌تواند آن را انجام دهد، اما این راه‌حل وقت‌گیر است و آزمون محدودیت زمانی دارد. یک مرد با خودش می‌گوید «من می‌دانم که ۱۱ تا از ۲۰ بازی رکورد ۵۵ درصد است» آیا این نوع اطلاعات مؤثر خواهد بود؟ بله، پاسخ درست ۵ است.

پس، اگر نمره زنان در یک آزمون خاص روان‌شناختی کمتر از مردان باشد، اغلب دو تفسیر احتمالی وجود دارد: (۱) زنان در توانایی که اندازه‌گیری شده است، مهارت نیافته‌اند، یا (۲) تفاوت جنسیتی صرفاً حاکی از این است که خود آزمون دربرگیرنده سؤالات سوگیرانه است.

1. Scholastic Aptitude Test (SAT-Math)